

نقش انرژی در تحول روابط میان ایران و ترکیه با تأکید بر گاز طبیعی (۲۰۱۵-۲۰۰۰)

دکتر روح الله طالبی آرانی^۱، حسین چراغی^۲

چکیده

ایران و ترکیه به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای هستند که هریک از آنها می‌توانند تأثیر زیادی بر بخشی از گستره جغرافیای جهان، از خاورمیانه و شمال آفریقا گرفته تا خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز، داشته باشند. ترکیه در تلاش برای تقویت جایگاه بین‌المللی خود و اتخاذ رویکردهای جدید، بر اهمیت اتحاد با غرب تأکید فراوانی دارد. روابط با شرق و به‌ویژه کشورهای همسایه نیز در دو دهه اخیر به همان میزان اهمیت یافته‌اند. ایران نیز به‌عنوان کشوری بزرگ و بازیگری تأثیرگذار در خاورمیانه همواره در تحولات منطقه‌ای نقشی مؤثر ایفا کرده است. روابط ترکیه و ایران همواره محدودیت‌ها، تفاوت‌ها و رقابت‌های عمیقی داشته که از تعمیق روابط دوجانبه جلوگیری کرده‌اند. این شرایط امروزه نیز همچنان در حوزه‌های مختلف ادامه دارد، ولی این موضوعات هیچ‌گاه باعث توقف تلاش‌های دو کشور برای برقراری روابط دوستانه با یکدیگر و تلاش‌ها برای جلوگیری از بروز تنش در روابط دوجانبه، نبوده‌اند؛ این وضعیت باروی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، بیش‌ازپیش تقویت شده و مورد استقبال ایران نیز قرار گرفته است. این مطالعه با تأکید بر عامل انرژی و مطالعه روابط انرژی میان دو کشور با تأکید بر گاز طبیعی، با استفاده از داده‌های کمی، تأثیر این عامل را به‌عنوان پایه‌ای برای همکاری‌های بیشتر در سایر حوزه‌ها و وابستگی متقابل دو کشور، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ بررسی کرده است.

واژگان کلیدی: ایران، ترکیه، خاورمیانه، وابستگی متقابل، انرژی.

^۱ استادیار دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد خاورمیانه دانشگاه شهید بهشتی



مقدمه

این موضوعات هیچ‌گاه باعث توقف تلاش‌های دو کشور برای برقراری روابط دوستانه با یکدیگر و تلاش‌ها برای جلوگیری از بروز تنش در روابط دوجانبه، نبوده‌اند؛ این وضعیت باروی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، بیش‌ازپیش تقویت‌شده و مورد استقبال ایران نیز قرار گرفته است. پژوهش حاضر، به بررسی روابط انرژی بین ایران و ترکیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ با تأکید بر تفوق گاز طبیعی میان دو کشور بین این سال‌ها پرداخته است.

چارچوب نظری؛ وابستگی متقابل و وابستگی

متقابل انرژی

وابستگی متقابل اصطلاح کلیشه‌ای روزگار ماست. این واژه به‌مانند تمامی اصطلاح‌های کلیشه‌ای، معمولاً تعریف نشده باقی‌مانده است. همان‌گونه که در مقدمه گزارش اقتصادی بین‌المللی، رئیس‌جمهور بیان کرد: ”واقعیت و سرنوشت وابستگی متقابل اقتصادی جهان‌گستر در دهه گذشته با نقش‌آفرینی رهبران تمامی بخش‌های جامعه و با نقش‌آفرینی اکثر مردم جهان تثبیت شده است“ (والتس، ۱۳۹۴: ۱۹۸). در واقع، نظریه‌های وابستگی متقابل نخله‌ای از اندیشه نئولیبرالی هستند. آنها نقدی بر مواضع نواقع‌گرا درباره سیاست قدرت ارائه می‌دهند و در این راستا، ناتوانی نواقع‌گرایی را در تفسیر بعضی از حوزه‌ها یا رویدادهایی که در روابط معاصر روی می‌دهند، برجسته می‌سازند. با این حال، این دیدگاه مشابهت‌هایی با برداشت نواقع‌گرایی درباره نظام بین‌المللی دارد، چراکه هر دو مکتب فکری به ماهیت نظام آنارشیک اذعان دارند. وانگهی، رویکردهای وابستگی متقابل، از این حیث که از سنت‌های نئولیبرالی حمایت می‌کنند و به آن‌ها پایبند

ایران و ترکیه دو کشور غیرعرب و از پرجمعیت‌ترین کشورهای خاورمیانه هستند، جمهوری اسلامی ایران دارای منابع عظیم نفت و گاز طبیعی است و یکی از مؤسسان سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و مجمع کشورهای صادرکننده گاز می‌باشد. ایران یکی از اولین کشورهای صادرکننده نفت و گاز در منطقه به شمار می‌رود و قسمت عمده‌ای از انرژی تولیدی خود به‌ویژه گاز تولیدی خود را مصرف می‌کند ولی با اتکا به منابع عظیم نفت و گاز خود برنامه‌های زیادی برای تقویت توان تولید و صادرات خود دارد. از طرف دیگر ترکیه از منابع محدود انرژی رنج می‌برد و با توجه به رشد و توسعه روزافزون این کشور، به‌شدت به منابع انرژی خارجی وابسته است. افزایش جمعیت و توسعه اقتصادی باعث افزایش تقاضا برای انرژی شده و منابع محدود این کشور تناسبی با این افزایش تقاضا ندارد. چنین توانایی‌های متفاوتی منجر به وجود آمدن زمینه‌های مختلفی برای همکاری بین ایران و ترکیه شده است. دو کشور به یکدیگر نیاز دارند، ایران نیاز به صدور انرژی خود به ترکیه و دستیابی به بازارهای بلندمدت انرژی اروپا از مسیر این کشور را داشته و به‌تبع آن دستیابی به منابع ارزی و اقتصاد رو به رشد ترکیه نیز نیاز به منابع امن و پایدار نفت و گاز برای تأمین نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد خود دارد (Baghat, 2014: 1).

در همین راستا، روابط ترکیه و ایران پستی‌ها و بلندی‌های مخصوص به خود را داشته و همواره محدودیت‌ها، تفاوت‌ها و رقابت‌های عمیقی در این روابط وجود داشته‌اند که از تعمیق روابط دوجانبه جلوگیری کرده‌اند (Barkey, 2013: 3). با این حال،



سیاسی، رشد سازمان‌های بوروکراتیک، تولید مازاد اقتصادی و شهرنشینی شکل می‌گیرد (www.inpo.ir). وابستگی متقابل به وضعیتی اطلاق می‌شود که تأثیرات متقابل و دوطرفه کشورها و بازیگران مختلف جهانی به آن شکل می‌دهد. بنابراین جهان‌گرایی گونه‌ای وابستگی متقابل است، اما با دو مشخصه و ویژگی معین، اولین مشخصه جهان‌گرایی وجود شبکه‌هایی از به‌هم‌پیوستگی (روابط چندجانبه) است و نه یک پیوستگی واحد (سلیمی، ۱۳۸۸). دو گونه وابستگی متقابل وجود دارد که می‌توان توصیف و تبیین کرد: یکی وابستگی متقابل نامتقارن یا نابرابر و دیگری، سطحی از درهم تنیدگی که سودها یا ضررهای متقابلی را در خود دارد. در یک وضعیت وابستگی متقابل نامتقارن، دو یا چند کنشگر به هم وابسته‌اند ولی این وابستگی به یکدیگر با درجات متفاوتی بین آن‌ها وجود دارد. این ناهمطرازی در سطوح وابستگی متقابل به عدم تقارن در ظرفیت بالقوه قدرت می‌انجامد؛ این در حالی است که قدرت همانا توانایی یک کنشگر برای وادار کردن یک کنشگر دیگر به انجام عملی به‌گونه‌ای است که در غیر این صورت انجام نمی‌داد (اسمیت انیس و فاراندس، ۱۳۹۲: ۳۸). نوع دوم وابستگی متقابل که می‌توان توصیف کرد، وابستگی متقابلی است که گونه آرمانی نظام جهانی است و به وابستگی متقابل پیچیده معروف است. صلح و ثبات از طریق همکاری به علت سطوح بسیار بالای وابستگی متقابل، ویژگی‌های بارز این نظام است. در این نظام، توسل به نیروی نظامی یا سایر شکل‌های

هستند، از بنیان با نواقح‌گرایی تفاوت دارند (اسمیت انیس و فاراندس، ۱۳۹۲: ۴۰-۳۸)، تعاریف متعددی از وابستگی متقابل شکل گرفته است؛ ریچارد کوپر، وابستگی متقابل را به‌عنوان «واکنش‌پذیری سریع به تفاوت در فرصت‌های کسب درآمد که به کاهش شدید تفاوت‌ها در بازده‌های عوامل تولید می‌انجامد» تعریف می‌کند. همچنین ریچارد کوپر^۱ وابستگی متقابل را نه به‌عنوان متقابل بودن وابستگی، بلکه به‌عنوان درک متقابل تعدیل تعریف می‌کند و در این چارچوب، ناخواسته به وابستگی کمتر قدرت‌های بزرگ امروز در قیاس با قدرت‌های بزرگ پیشین اشاره می‌کند (والتس، ۱۳۹۴: ۱۹۹).

ریچارد روز کرانس و دیگران در تعریف وابستگی متقابل، آن را نوعی پیوند می‌دانند؛ وابستگی متقابل را می‌توان نوعی پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت‌ها در موردی تعریف کرد که تغییر در موقعیت یک دولت، جایگاه سایرین را به همان جهت تغییر می‌دهد و یا اشاره می‌کنند که وابستگی متقابل «نظامی است که در آن دولت‌ها در نردبان موقعیت بین‌المللی و توازن اقتصادی، قدرت، رفاه، دسترسی به اطلاعات و یا تکنولوژی، باهم نوسان دارند». رابرت کوهین^۲ و جوزف نای^۳ اشاره می‌کنند؛ وابستگی متقابل به وضعیتی اطلاق می‌شود که نیروهای خارجی آن را تأمین می‌کنند، یا تا حد زیادی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از دیدگاه ادوارد مورس وابستگی متقابل «مجموعه شرایطی است که در میان جوامع نوسازی شده با ویژگی‌هایی نظیر؛ رشد شناخت در مورد کنترل فیزیکی، تمرکز فرایند

¹ Richard Cooper

² Robert o. Keohane

³ Joseph Nye

رویاریویی خشونت‌بار به علت اتکای کنشگران به یکدیگر، بی‌ثمر و غیرعقلایی خواهد بود. در این راستا؛ در طی قرن گذشته، افزایش نقش و اهمیت انرژی در جهان صنعتی شده امروز و اهمیت بحث امنیت انرژی، منجر به توسعه روابط کشورهای تأمین‌کننده و مصرف‌کننده انرژی شده و در واقع به‌نوعی وابستگی متقابل انرژی بین کشورها به بار آورده است. فرایند جهانی‌شدن با منافع اقتصادی تمامی کشورها در بازارهای جهانی ارتباط پیدا کرده‌اند. اکنون این موضوع مشخص است که یک همبستگی بسیار قوی بین توسعه اقتصادی و سیاسی کشورها و امنیت انرژی و دسترسی به منابع انرژی وجود دارد (Koolace, 2011: 12). به‌علاوه، نوسان قیمت منابع انرژی در بازارهای جهانی، به‌سرعت بر شرایط اقتصادی و سیاسی جهان و در همه کشورها، از جمله بر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده انرژی تأثیر داشته است. بر اساس چنین شرایطی، شرایط مناسب و کم‌هزینه حمل‌ونقل و مسیرهای مناسب انتقال منابع انرژی، با روندی افزایشی در شکل‌گیری سیاست‌ها در ترتیبات منطقه‌ای و جهانی تأثیر داشته است. بیش از دو سوم رشد در مصرف انرژی، در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد که دارای جمعیت فراوان و نرخ رشد اقتصادی بالایی هستند (Ibid).

اختلاف نظرهای منطقه‌ای

ایران و ترکیه در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام، رویکردهای متعارضی به نظم منطقه‌ای ارائه می‌کنند. این دیدگاه‌ها در وهله اول به دلیل تاریخچه زندگی افراد و سران دو کشور و در حوزه بعد و به‌طور گسترده‌تر، تجربه سیاسی دو کشور در دوران بعد از استعمار بوده است. رقابت بین این دو کشور در مرحله اول ایدئولوژیک است که با حضور دوباره ترکیه در جهان اسلام تشدید شده است. دو کشور در حال تلاش برای تأثیرگذاری در حوزه‌های متعدد تنش در خاورمیانه و معرفی خود به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای و در نهایت اتخاذ نقش مسلط در منطقه هستند. ایران و ترکیه، به‌صورت تاریخی، در مناطق نزدیک و آن‌طرف‌تر خود به یکدیگر به‌عنوان رقیب نگریسته‌اند. بنابراین، روابط بین آن‌ها به‌صورت سنتی از میزانی تنش و اختلاف برخوردار بوده است، به‌طوری‌که دو کشور تحرکات طرف مقابل را با حساسیت دنبال کرده‌اند. همچنین هر دو کشور در حال رقابت برای افزایش نفوذ خود در کشور نفتی عراق که شکاف شیعه-سنی و عرب



-کرد ترکیب ناپایداری در آن ایجاد کرده‌اند، هستند. رقابت دو کشور موضوع جدیدی نیست (Barkey, 2010:3). روابط ایران و ترکیه نامتوازن باقی‌مانده و از گذشته تعارضی با مقیاسی وسیع در منافع دو کشور وجود داشته است. در کنار عراق، ایران در تلاش برای تثبیت تأثیر خود در کشورهای متعددی از منطقه بوده است. در مقابل، ترکیه نیز با روش‌های خاص خود در فکر توسعه حضور خود در این مناطق بوده است. به عبارت دیگر، اهداف ایران و ترکیه در منطقه متضاد بوده است (Idrees, 2011: 3)، این تضاد در اهداف را می‌توان در موارد مهم ذیل مشاهده کرد:

الف) سوریه

مهم‌ترین حوزه تحولات اخیر در کشورهای عربی، بحران سوریه بوده است که نه تنها به دلیل اهمیت جغرافیایی و ارتباطی این کشور، بلکه به علت پیامدهایی که نتیجه این بحران به دلیل هزینه و سودی که برای طرف بازنده و پیروز خواهد داشت، چالش‌هایی جدی برای هر دو کشور ایران و ترکیه فراهم آورده است (Ibid, 6). سوریه نزدیک‌ترین و متحد اصلی منطقه‌ای ایران بوده است. روابط آنها با یکدیگر برای دهه‌ها از دوستی و ثبات برخوردار بوده و دو کشور در منطقه وسیعی از خاورمیانه تأثیر داشته‌اند، هرچند از لحاظ سیستم حکومتی از هم فاصله دارند. در کنار مقاومت مستمر در برابر رژیم صهیونیستی، دو کشور در طرح‌های مشترک متعددی برای مقابله با دشمنان مختلف همکاری دارند. سوریه که تأثیرگذاری بالایی در گروه‌های مختلف فلسطینی و در لبنان همانند حزب الله دارد، با کشورهای لبنان، عراق و رژیم صهیونیستی مرز مشترک دارد. برای ایران، سوریه به‌عنوان کانالی برای دسترسی به این گروه‌ها و کشورها بوده است. سوریه به ارسال کمک‌ها و

دسترسی ایران به این حوزه‌ها کمک کرده است (Goodarzi, 2010: 4). سقوط بشار اسد منجر به کاهش تأثیرگذاری حکومت ایران در منطقه شده و رژیم طرفدار غرب و دوست ترکیه به روی کار خواهد آمد.

به‌طور خلاصه، مهم‌ترین موارد تقابل ایران و ترکیه ناشی از دیدگاه‌های متفاوت دو کشور نسبت به بحران سوریه است که از سه حوزه اصلی، دیدگاه‌های متفاوت ایران و ترکیه نسبت به محور مقاومت، تقویت روابط ترکیه با غرب و مخالفت ایران با غرب و حمایت ایران از بشار اسد و مخالفت ترکیه با وی، ریشه می‌گیرد. ایران به علت مواضع مخالف با غرب، آمریکا و رژیم صهیونیستی و قرار گرفتن در محور مقاومت و به‌عنوان قطعه مهمی از هلال شیعی، حیات حکومت فعلی سوریه را حیات محور مقاومت و هلال شیعی می‌داند و سقوط آن را به‌منزله پاره شدن هلال و شکست در محور مقاومت محسوب می‌کند. اما ترکیه نگاه ایدئولوژیک به سوریه ندارد؛ بلکه به علت قرار گرفتن در جبهه غرب و عضویت در ناتو و داشتن روابط پنهان و آشکار اطلاعاتی- نظامی با رژیم صهیونیستی، همسو با آنها حرکت کرده و خواهان سقوط نظام سوریه و تغییر حکومت است (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴-۲۷).

ب) فلسطین

رویکردها و استراتژی‌های ایران و ترکیه در قبال رژیم صهیونیستی و موضوع فلسطین نیز از موضوعاتی بوده است که تأثیر مطلوبی در روابط ایران و ترکیه نداشته است. ترکیه از سیاست‌های ایران در قبال رژیم صهیونیستی و فلسطین پیروی نکرده و سیاست خارجی مستقلی را در پیش گرفته است که منجر به کاهش اهمیت ایران در میان کشورهای عرب منطقه خاورمیانه



بوده است، در حالی که ایران به دنبال تمرکز قدرت در دست گروه‌های شیعه بوده است. ترکیه معتقد است که حضور پررنگ گروه‌های سنی در قدرت عراق منجر به کاهش تأثیر سیاسی ایران خواهد شد و از ایجاد اتحاد ایران و عراق جلوگیری خواهد کرد. بر این اساس، ترکیه برای رسیدن به این هدف، از ایجاد رابطه با گروه‌های سنی و حتی رهبران میانه‌رو شیعه تا تقویت حضور اقتصادی و سیاسی در این کشور مضایقه نکرده است (H.Jenkins, 2012: 43).

خروج رسمی آمریکا از عراق منجر به ایجاد خلأ قدرت و افزایش رقابت ایران و ترکیه در این کشور شده است. سیاست خارجی عراق بیش از هر کشور دیگری با ایران منطبق است. نخست‌وزیر سابق عراق نوری المالکی حمایت خود را از بشار اسد اعلام کرده و اجازه استفاده از فضای زمینی و هوایی این کشور را برای نیروهای ایرانی به منظور ارسال تجهیزات و امکانات به نیروهای سوری صادر کرده است. عراق همچنین رویکرد خصمانه خود نسبت به عربستان سعودی و حمایت از ایران در خلیج فارس را اعلام کرده است (Irrab & Nader, 2015: 4-12).

ترکیه اعتقاد دارد که هر چه ارتباط این کشور با منطقه خود مختار کردستان عراق قوی‌تر و عمیق‌تر باشد به همان میزان از نفوذ و تأثیر جمهوری اسلامی ایران کاسته می‌شود. عراق در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و به‌ویژه اقتصادی از اهمیت بالایی برای ترک‌ها برخوردار است. کشور نفتی عراق، منبع انرژی و بازار خوبی برای کالاهای ساخت ترکیه است. تجارت ترکیه در عراق در سال ۲۰۱۰ به میزان ۶ میلیارد دلار بود. در کنار این شرایط، همچنان که بحران در سوریه ادامه دارد، بحران دیگری در عراق به موازای با سوریه شکل گرفته که بخش اعظمی از خاک عراق را اشغال کرده است، در

و یا حتی کشورهای مسلمان سایر مناطق دنیا شده است. ایران به دلیل مخالفت و دشمنی با سیاست‌های رژیم صهیونیستی در فلسطین احساس مطلوبی دارد (Irrab & Nader, 2013: 15-16).

در راستای این موضوع، حمایت ایران از گروه‌های شیعه به‌عنوان یکی از راه‌های گسترش نفوذ این کشور در منطقه، منجر به ایجاد زمینه مشترکی برای همکاری بین رژیم صهیونیستی، ترکیه و کشورهای سنی عرب شده است. برخلاف تمایل ترکیه به گروه حماس، این کشور تحرکاتی داشته است که نشان‌دهنده رویکرد مثبت برای بهبود روابط با رژیم صهیونیستی است. در حال، ترکیه از بهبود روابط با رژیم صهیونیستی به‌عنوان ابزاری علیه ایران استفاده می‌کند (Cohen, 2015: 4).

ایران به‌طور صریح دشمنی رژیم صهیونیستی با اسلام و مسلمانان را به‌عنوان رژیم غیر مشروع با هویتی امپریالیستی اعلام کرده است، ولی ترکیه رژیم صهیونیستی را به‌عنوان حکومتی مشروع به رسمیت شناخته است. به دلیل تفاوت‌های ساختاری بین ایران و ترکیه و اختلافات فراوان در این حوزه، تمایل دو کشور به ارتقا روابط به سطح استراتژیک کاهش یافته و دو کشور در همکاری با یکدیگر موفقیت چشم‌گیری نداشته‌اند (Sinkaya, 2012: 13-14).

ج) عراق

اختلاف نظر بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در موضوع عراق نیز وجود دارد. اگرچه هر دو کشور مخالف تجزیه عراق بوده‌اند، ولی دو کشور همواره بر سر گروهی که باید قدرت را در این کشور در دست داشته باشد، اختلاف داشته و از گروه‌های مختلفی در این کشور حمایت کرده‌اند. ترکیه همواره به دنبال اطمینان حاصل کردن از حضور گروه‌های سیاسی سنی در دولت عراق



استقلال جمهوری‌های تازه استقلال یافته، تشدید شده بود. تنش شدیدی بین دو کشور در جریان بود که در نهایت منجر به بسته شدن سفارت‌های دو کشور در سال ۱۹۹۷ گردید. عمده بحران‌هایی که بین ترکیه و ایران اتفاق افتادند، در سال ۱۹۸۵، از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰، از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ و در سال ۱۹۹۷ بودند (Aras, 2001:107-112).

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه هرکدام جهان‌بینی متفاوتی دارند که از ساختارهای مجزای آن‌ها ریشه می‌گیرد که مانعی برای تعمیق روابط دوجانبه است. در نتیجه، دو کشور تحولات منطقه را از دیدگاه‌های متفاوتی در نظر گرفته و رویکردهای متفاوتی در قبال آن‌ها در پیش می‌گیرند. با وجود تشابه ظاهری دیدگاه‌ها، دو کشور در بسیاری از موضوعات و یا چگونگی حل این مسائل با یکدیگر اختلاف دارند (درخشه و دیو سالار، ۱۳۹۰: ۲۳).

بسیاری از تحلیلگران ترک به دلایل مختلف از جمله رقابت مستمر، بدگمانی و تفاوت‌های فرهنگی و قومی و ... از روابط میان دو کشور با عنوان «مشارکت محتاطانه» یاد می‌کنند (Flangtan, 2013: 7). ولی، روابط ایران و ترکیه با وجود برخی تحولات منطقه‌ای و سایر مشکلات، هیچ‌گاه به مرحله بحرانی نرسیده و همواره دو کشور خواهان استمرار روابط در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... بوده‌اند و این موضوعات باعث توقف تلاش‌های دو کشور برای برقراری روابط دوستانه با یکدیگر نبوده است (Karacasulu & Askar, 2011: 1).

رشد روابط دو کشور بعد از سال ۲۰۰۲ و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه روند روبه بهبودی در پیش گرفت. تلاش‌های ترکیه برای توسعه همکاری‌ها با کشورهای همسایه از طریق استراتژی نگاه به شرق و

مبارزه با این گروه تروریستی داعش در عراق، جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های شیعه حمایت کرده است، درحالی‌که ترکیه از گروه‌های سنی حمایت می‌کند (Tahiroglo & Taliblu, 2015: 8).

با این اوصاف می‌توان نتیجه گرفت که در موضوع عراق نیز اختلاف‌نظرهای آشکاری میان ایران و ترکیه وجود دارد به‌گونه‌ای که این اختلافات تمامی حوزه‌ها، از اقتصادی و فرهنگی گرفته تا سیاسی و امنیتی را در برمی‌گیرد.

اختلاف‌نظرهای بین‌المللی

با وقوع انقلاب در جمهوری اسلامی ایران، استمرار و ثبات در روابط دو کشور ایران و ترکیه به دلایلی با چالش مواجه شد. جمهوری اسلامی ایران، با رویکردهای جدید و تمایل به صدور ارزش‌های انقلاب به سایر مناطق، به یکی از منابع نگرانی ترکیه بدل گشت (Migdalovitz, 2010: 47). این دوره با تنش‌های سیاسی و بحران اقتصادی در ترکیه هم‌زمان بود. یکی دیگر از رویدادهایی که به دنبال انقلاب اسلامی ایران رخ داد، قطع رابطه و اختلاف در همکاری بین ایران و آمریکا به‌عنوان حمایت‌کننده روابط عمیق بین ایران، ترکیه و غرب برای سال‌ها بود. این درحالی بود که روابط ترکیه با آمریکا با غرب به قوت خود باقی ماند (Kibaroglu, 2008: 159).

بر این اساس، از ابتدا ایران و ترکیه بر اساس ساختارهای سیاسی و ایدئولوژیکی بنا شد. روابط دو کشور در اواسط سال ۱۹۹۰ نزدیک به فروپاشی بود، به‌طوری‌که در طول دهه ۱۹۹۰ هر دو کشور برای بر عهده گرفتن نقش رهبری در منطقه در رقابت بودند. این موضوع با فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۰ و



تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران در سازمان ملل عمیق‌تر شد. این مواضع با مخالفت غرب و آمریکا مواجه شد. در حقیقت محرک این مواضع و تمایل ترکیه به اتخاذ چنین رویکردهایی در قبال برنامه هسته‌ای ایران و عدم همسویی با برنامه‌های غرب و آمریکا ساده نبود و عوامل مختلف و متنوعی در این فرایند مؤثر بودند. ترکیه خواهان نقش قوی‌تر و فعال‌تری برای خود در سطح منطقه بود، اکتبر ۲۰۰۹، بعد از تشدید فشارها بر ایران برای تعدیل غنی‌سازی اورانیوم، ترکیه به شدت از مواضع دو پهلوی غرب در مورد پرونده هسته‌ای ایران انتقاد کرد. در این راستا، ابعاد مختلف و چندلایه‌ای برای تداوم روابط ایران و ترکیه، هرچند به‌طور ناقص، وجود داشته است. یکی از ابعاد بسیار مهم و در اصل مهم‌ترین آن‌ها، روابط اقتصادی و مهم‌تر از حوزه اقتصادی، روابط انرژی میان دو کشور بوده است (Jenkins, 2012: 55). در واقع، طی چند وقت اخیر دو کشور به منافع مشترک در بخش‌های مختلف به‌ویژه حوزه اقتصاد و انرژی پی برده و همواره خواستار همکاری در این زمینه‌ها بوده‌اند (Hajimineh, 2012: 1).

ایران علی‌رغم امکانات پالایشگاهی ناکافی و صنایع ضعیف مرتبط با این منابع، از منابع وسیع هیدروکربن برخوردار است. بنابراین نیاز شدیدی به سرمایه و کالاهای صنعتی و ضروریات اقتصادی مرتبط که می‌تواند در حوزه صنایع انرژی به کار گرفته شود برای ایران وجود دارد. در ساختار صادرات ایران، سوخت و تولیدات معدنی حجم قابل‌توجهی را شکل می‌دهند (Unal & Ersoy, 2014: 11). حجم تبادلات بین دو کشور پس از سال ۲۰۰۰ بیش از ده برابر افزایش در خود می‌بیند، به‌طوری‌که رقم تجارت فی‌مابین از ۵/۱

سپس نظریه عمق استراتژیک احمد داود اوغلو و به صفر رساندن مشکلات با همسایگان دوچندان شد. درحالی‌که تصمیم ترکیه برای تعمیق همکاری‌ها با کشورهای منطقه از سال ۱۹۸۰ آغاز شده بود، با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، رویکرد این کشور نسبت به جمهوری اسلامی ایران بیش‌ازپیش تقویت شد (Parsi & Rydqvist, 2011: 8-13).

احمد داود اوغلو به توسعه رویکرد مثبت ترکیه نسبت به کشورهای منطقه با تأکید بر تقویت همکاری‌های دوجانبه میان دولت‌ها، ایجاد مناطق آزاد تجاری، کاهش محدودیت‌های مرتبط با روادید میان کشورها، یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها و اتخاذ استراتژی میانجیگری پرداخت. در این حوزه روابط با جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفت (روزنامه جام جم، ۲۹ شهریور ۱۳۹۰). با وجود اختلافات، ایران و ترکیه به مدیریت این مشکلات پرداخته و از تأثیر این اختلافات در روابط دوجانبه پرهیز کرده‌اند (Stein and Bleec, 2012: 3).

تفوق انرژی در روابط اقتصادی ایران و ترکیه

در ابتدای سال ۲۰۱۰ تلاش‌های فراوان ترکیه برای جلوگیری از اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران در پی برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان تغییری محوری در سیاست خارجی ترکیه در رسانه‌های غربی به تصویر کشیده شد. ادعاهایی بود مبنی بر اینکه حکمرانی حزب عدالت و توسعه که ریشه‌های اسلامی نیز دارد از اتحاد با غرب تغییر مواضع داده و به سمت کشوری که دشمنی و مخالفت دیرینه‌ای با غرب دارد، رفته است. این نگرانی‌ها با تلاش ترکیه از طریق واسطه شدن برای ایجاد توافق بین ایران و کشورهای غربی و مخالفت با

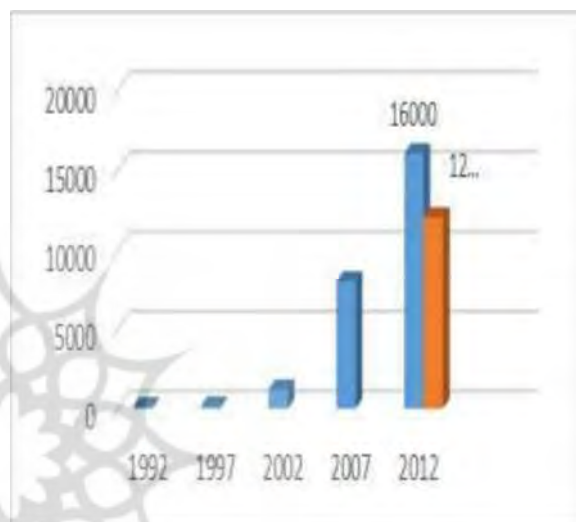
رابطه ترکیه-آمریکا شد. در همین راستا، وزیر انرژی ترکیه -ترن یدیز- اشاره کرد: ترکیه به واردات گاز طبیعی با این حجم از ایران ادامه خواهد داد. رجب طیب اردوغان نیز اعلام کرد: گاز طبیعی ایران از اهمیت استراتژیک برای این کشور برخوردار است و اگر از ترکیه درخواست شود که ارتباط خود با ایران در این حوزه را قطع کند، فشار اقتصادی و به‌ویژه انرژی در این چارچوب جایی نخواهند داشت (Havard Kendyschool & Beller Center, 2013: 25-57).

تفوق گاز طبیعی در روابط انرژی دو کشور

روابط بین ایران و ترکیه در حوزه گاز طبیعی تقریباً نمونه کاملی از بازی با حاصل جمع مثبت و برد-برد است (Unal & Ersoy, 2014: 9). ترکیه در سال ۲۰۱۲ تنها ۶۳۰ میلیون مترمکعب گاز تولید کرد. اکتشافات گاز طبیعی در سواحل دریای سیاه با نتایج خوبی همراه نبوده است. ترکیه طی سال‌های آینده به‌عنوان واردکننده عمده گاز طبیعی باقی خواهد ماند (Winrow, 2014: 6). در حوزه گاز طبیعی، روابط بین ایران و ترکیه تقریباً نمونه کاملی از بازی با حاصل جمع مثبت و برد-برد است. ترکیه تنها می‌تواند ۷/۱ درصد از مصرف گاز طبیعی خود را از منابع داخلی تأمین کند، بر این اساس، این کشور برای تأمین باقیمانده میزان تقاضا به واردات از تأمین‌کنندگان خارجی همانند ایران نیازمند است. تجارت گاز طبیعی بین دو کشور با یک قرارداد از سال ۱۹۹۶ آغاز شد. در سال ۲۰۰۵ حجمی که ترکیه از ایران وارد کرد به میزان ۲/۴ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی بود که این میزان در سال ۲۰۱۱ به حدود ۲/۸ میلیارد مترمکعب از

میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ رسید، در این بین حجم مبادلات انرژی با ۱۲ میلیارد دلار از کل تجارت، نقش مهمی در روابط ایران و ترکیه بر عهده داشته است (Bulent. Alterman.) (Kuchins, 2013: 21).

جدول (۱) حجم تبادلات گازی بین ایران و ترکیه

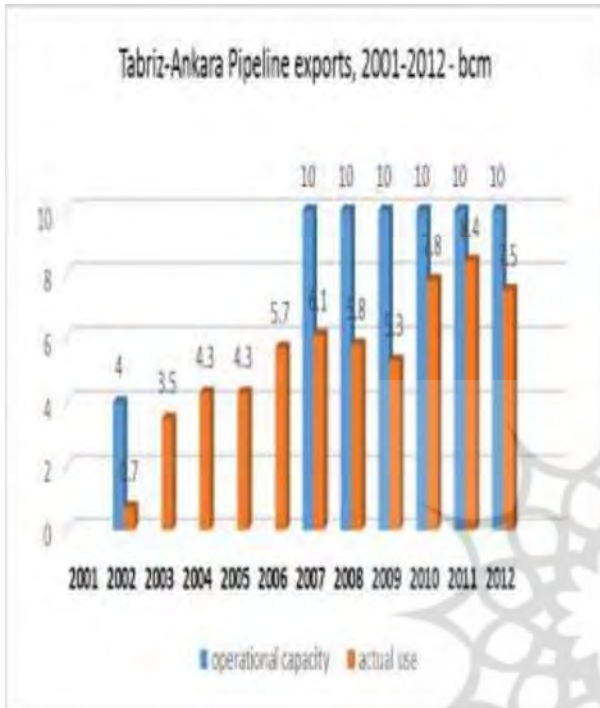


Source: Turkish statistical institute-2011

با در اختیار داشتن دومین منابع وسیع گاز طبیعی در دنیا، به نظر می‌رسد که ایران، بتواند منبع قابل‌اعتمادی برای طرح تنوع‌بخشی به منابع تأمین‌کننده انرژی ترکیه باشد. خارج ساختن ایران از سیستم مالی بین‌المللی منجر به بروز مشکلات در پرداخت هزینه گاز طبیعی صادراتی ایران به ترکیه از طریق هالک بانک ترکیه شد، به دلیل اینکه تحریم‌ها اجازه پرداخت هزینه به دلار یا یورو را نمی‌دادند. ترکیه برای رفع این مشکل، هزینه را بر اساس ارز رایج این کشور یعنی لیره پرداخت کرد، ایران نیز با استفاده از این پول مبادرت به خرید طلا از بازار ترکیه کرد. به عبارت بهتر تجارت بین ایران و ترکیه به‌صورت مبادله گاز طبیعی-طلا بود. این اقدام موردتوجه آمریکا واقع شده و باعث بروز اختلافاتی در

در وابستگی ترکیه به انرژی ایران ایجاد شد (Winrow, 2014: 6).

نمودار ۱) حجم صادراتی خط لوله گاز طبیعی تبریز-آنکارا، ۲۰۰۱-۲۰۱۲. (میلیارد مترمکعب)



Source: OPEC 2012, BP Statistical Review 2013; Eurasia Review; Global Business

براین اساس، ۴ خط لوله گاز طبیعی در ترکیه وجود دارد که نیاز این کشور را تأمین می‌کند، «تبریز-ارزروم» با طول ۲۵۷۷ کیلومتر و ظرفیت سالانه ۱۰ تا ۱۱ BCM از ایران «باکو-تیبلیسی-ارزروم» با طول ۷۰۰ کیلومتر و ظرفیت ۸/۸ BCM از آذربایجان خط لوله «دوستی» با ظرفیت ۱۴ BCM از روسیه «بلو استریم» با ظرفیت ۱۶ BCM از روسیه

LNG:

«مرمره-ایرجلیسی» با ظرفیت ۵ BCM از نیجریه و الجزایر به وسیله تانکر

کل ۴۴ میلیارد مترمکعب (۱۹ درصد از کل واردات گاز طبیعی ترکیه)، افزایش یافت.

در حدود ۸ میلیون مشترک داخلی مصرف‌کننده گاز طبیعی در ترکیه وجود دارند که بیش از یک چهارم از کل مصرف گاز طبیعی این کشور را به خود اختصاص داده‌اند. به علاوه مورد انتظار است همان‌طور که پروژه تأمین منابع گاز طبیعی برای همه استان‌های ترکیه با انتقال گاز به ۱۱ استان و ۵ ناحیه عملیاتی شده است و مناطق دیگری نیز در حال اجرای این طرح هستند، در آینده‌ای نزدیک این میزان افزایش باید. بنابراین استمرار انتقال گاز طبیعی ایران از اهمیت بالایی در فرایند استانداردهای زندگی در ترکیه و احتمال قطع جریان گاز طبیعی در این کشور که دارای تأثیرات منفی از طریق ایجاد مشکلات در حوزه‌های تولید برق، تولیدات صنعتی و حتی گرمایش خانگی، برخوردار است (Unal & Ersoy, 2014: 9-13).

خط لوله تبریز-ارزروم با تأخیر زیاد از طرف هر دو طرف با طول ۵۷۷/۲ کیلومتر تا سال ۲۰۰۱ به بهره‌برداری کامل نرسید تا اینکه در نهایت بعد از سال ۲۰۰۲ تکمیل شد. در قرارداد مربوط به این خط لوله توافق شده بود که حجم صادرات گاز به ترکیه از ۴ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۲ به ۱۰ میلیارد مترمکعب برسد ولی این رقم به ۱۱/۴ و ۲۴/۵ میلیارد مترمکعب به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به علت افزایش عرضه سایر کشورها و کاهش رشد اقتصادی رسید. این حجم در سال ۲۰۱۱ به ۴/۸ (م.م.م) رسید که ایران را به رده دوم بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان گاز طبیعی ترکیه با ۰۴/۲۰ بعد از روسیه با ۰۸/۴۶ درصد بدل کرد، این حجم به ۵/۷ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۲ رسید. با این افزایش واردات گاز طبیعی از ایران تغییری اساسی

جدول ۱) میزان صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه: (میلیون مترمکعب). mcm

سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
حجم	-	۶۵۸	۳.۴۷۰	۳.۴۹۷	۴.۲۴۹
سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
حجم	۵.۵۹۴	۶.۰۵۴	۴.۱۱۳	۵.۲۵۲	۷.۷۶۶
سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵-۶ ماه اول
حجم	۸.۱۹۰	۸.۲۱۵	۸.۷۳۰	۸.۹	-

Source: Eurostat to 2013- for 2014 and 2015: IRNA Agency

نتیجه‌گیری

ایران و ترکیه دو کشور غیر عرب و از پرجمعیت‌ترین کشورهای خاورمیانه هستند، اولی دارای موقعیتی استراتژیک در خلیج فارس و تنگه هرمز بوده، همچنین ترکیه کنترل تنگه‌های بسفر و داردانل که دریای سیاه را به دریای اژه و سپس به مدیترانه متصل می‌کند را در دست دارد (Baghat, 2014: 3). دو کشور از دیدگاه هنری بارکلی؛ از نظر جغرافیایی در کنار یکدیگر، اما از نظر ایدئولوژی و منافع دولتمردان از هم بسیار دورند؛ دو کشور همچنین سابقه‌ای طولانی از همکاری و اختلاف رادارند (اطهری، ۲۰۰۳: ۱). رقابت دو کشور که طیف وسیعی از موضوعات پیچیده تاریخی، قومی، تمدنی، ایدئولوژیک و ... را در برمی‌گیرد از استمرار طولانی مدتی برخوردار بوده است (Barkey, 2013: 3). با این وجود و علیرغم مشکلات فراوان، از مشکلات متعدد دوران قبل از سال ۲۰۰۲، به خصوص دوران قبل از دولت AKP و تفاوت‌ها و اختلافات ایدئولوژیک بسیاری که بین نخبگان حاکم جمهوری خواه سکولار ترکیه و همتایان ایرانی خود وجود داشتند، کاسته شده است. با شروع روی کار آمدن نخبگان سیاسی به نوبه محافظه‌کار در ترکیه، دین و مذهب (نه قومیت و فرقه)

«ایچ گاز علی آگا» با ظرفیت ۶ BCM (Kandiyoti, 2013: 27).

مناطق اطراف ترکیه بیش از ۷۰ درصد از کل ذخایر نفت و گاز دنیا را در اختیار دارند. تولید داخلی ترکیه محدود است، یعنی چیزی حدود ۲ درصد از کل مصرف این کشور. ترکیه از کشورهای روسیه، ایران، آذربایجان از طریق خطوط لوله و از الجزایر و نیجریه گاز مایع وارد می‌کند (Turkish Energy market, 2012: 41).

ترکیه حدود ۹۰ درصد از گاز صادراتی ایران را طبق یک قرارداد بلندمدت دریافت می‌کند، ارمنستان و آذربایجان نیز به ترتیب با ۶ درصد و ۳ درصد مقاصد دیگر گاز صادراتی ایران هستند. قابل ذکر است که ارمنستان و آذربایجان از «سوآپ» استفاده می‌کنند، ارمنستان در قبال گاز ایران، الکتریسیته به ایران صادر می‌کند و آذربایجان به مقدار گاز دریافتی از ایران، گاز به مناطق شمال شرقی ایران ارسال می‌کند.

فقدان تأمین‌کننده کلیدی مثل ایران، می‌تواند منجر به کاهش قدرت چانه‌زنی ترکیه در مقابل سایر کشورها به ویژه روسیه شود. اگر میزان گاز ارسالی ایران به ترکیه کم شود ترکیه با موانع زیادی مواجه خواهد شد. این امر به ویژه در حوزه‌های صنعتی و خانگی محسوس‌تر خواهد بود (EIA, 2012: 7-9).

جدول ذیل بر اساس آمار سایت رسمی یورواستات (Eurostat)، روند کاملی از حجم صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ را نمایش می‌دهد:



مداوم انرژی. بهره‌وری داخلی با استفاده از برنامه‌های آزادسازی. دستیابی به قیمت‌های پایین انرژی داخلی و خارجی و بدل شدن به کشور ترانزیتی و مرکز انرژی منطقه، تأمین منابع انرژی بوده است (Kraver & Pacheco, 2011: 38).

ایران از سالیان گذشته نقطه جذابی برای ترکیه به خاطر ذخایر نفت و گاز طبیعی و مجاورت جغرافیایی و هزینه‌های پایین واردات انرژی بوده است. در واقع اگر تبادلات انرژی بین دو کشور نادیده گرفته شود، نرخ رشد همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور در مقایسه با سایر کشورهای منطقه مثل عراق رقم ناچیزی را دارد، انرژی نفت و گاز به‌عنوان محرکی بسیار مهم برای افزایش مبادلات اقتصادی بین ایران و ترکیه بعد از سال ۲۰۰۰ عمل کرده‌اند (Jenkins, 2012: 53). در سال ۲۰۱۱، انرژی با ۱۲ میلیارد دلار از کل تجارت (Bulent, Alterman & Kuchin, 2013: 21).

بنابراین ترکیه به میزان بالایی به نفت و گاز وارداتی از ایران و ایران به منابع ارزی حاصل از صادرات انرژی به ترکیه، به یکدیگر وابسته بوده‌اند؛ و روابط انرژی بین طرفین بخش عمده‌ای از تجارت فی‌مابین بوده است. بر اساس گفته «استفان، جی. فلنگان» اقتصاد و به‌ویژه انرژی محرک قدرتمندی برای همکاری بین ایران و ترکیه در سرتاسر دهه گذشته بوده است و مواضع و منافع غیرمشترک را قابل‌تحمل برای دو طرف کرده است (Flangan, 2013: 7).

مورد تأکید ایران در سیاست خارجی خود، کمتر مورد توجه نخبگان ترک قرار گرفته و موجب آشفتگی آن‌ها شده است. رویکرد مثبت مقامات ایرانی نیز نسبت به دولت AKP نمونه خوبی برای این موضوع است؛ بنابراین موانع قابل‌توجه ایدئولوژیکی، قبل از ایجاد مشکلات بیشتر در روابط تا حدودی ناپدید شده‌اند. برخلاف رویکردهای واگرایی دو حکومت در حوزه ژئوپلیتیک، هر دو بازیگر تمایل به کسب امتیاز از عامل ژئواکونومیک به‌منظور به دست آوردن منافع احتمالی از طریق عقلانی سازی موقعیت‌های خود دارند (Unal & Ersoy, 2014: 6).

بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران دارای منابع عظیم نفت و گاز طبیعی و یکی از اولین کشورهای صادرکننده نفت و گاز در منطقه به شمار می‌رود که با اتکا به منابع عظیم نفت و گاز خود برنامه‌های زیادی برای تقویت توان تولید و صادرات خود دارد. از طرف دیگر ترکیه از منابع محدود انرژی رنج می‌برد و با توجه به رشد و توسعه روزافزون این کشور، به‌شدت به منابع انرژی خارجی وابسته است. افزایش جمعیت و توسعه اقتصادی باعث افزایش تقاضا برای انرژی شده و منابع محدود این کشور تناسبی با این افزایش تقاضا ندارد. چنین توانایی‌های متفاوتی منجر به وجود آمدن زمینه‌های مختلفی برای همکاری بین ایران و ترکیه شده است. ایران نیاز به صدور انرژی خود به ترکیه و دستیابی به بازارهای بلندمدت انرژی اروپا از مسیر این کشور را داشته و به‌تبع آن دستیابی به منابع ارزی و اقتصاد رو به رشد ترکیه نیز نیاز به منابع امن و پایدار نفت و گاز برای تأمین نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد خود دارد (Baghat, 2014: 2).

از سال ۱۹۹۰ هدف اصلی سیاست خارجی ترکیه با اهداف تنوع‌بخشی به منابع انرژی- جریان پایدار و



فهرست منابع

فارسی:

- 4- Barkey, Henry J. (2010), "Iran and Turkey", United State Institute of Peace, The Iran primer, www.usip.org.
- 5- Barkey, Henry. J, (January- December 2013), "Turkish-Iranian Competition after the Arab Spring", *Survival*, volume, 54. No, 6. P 2.3.
- 6-Ben Taliblu, Bahman, Tahiroglo, Merve, (Spring, 2015), "TURKEY and IRAN: The best of Freenemies", *Turkish policy quarterly*, Volume 14. No 1, P 2-3.
- 7-Bakery, Henry j, (May 2010), "Turkey's new Engagement in iraq", *United State Inistitute of Peace*, P 6. www.usip.org.
- 8- Cohen, Eytan, Hay, (May 2015), "Turkey and Iran: A Renewed Regional Rivalry", *Telaviv University*. Volume 9. N 9, P 4.
- 9- Evans, Tyler, Soner, Cagapaty, (December 2013), *Geopolitics of Natural Gas, Turkeys Energy Policy and the Future of Natural Gas*. Rice University Baker Institute Center for Energy Studies, HARVARD KENDY SCHOOL, BELLER CENTER, P 25 and 57.
- 10- Flangtan, Stephan j, (winter 2013), "The Turkey-Russia-Iran Nexus: Eurasian Power Dynamics", *Center for Strategic Studies, The Washington Quarterly*, 36.1, P 7. www.doi.org.
- 11- Flangan, Stephen, bulent, Alireza, alterman, Jon, and kuchin, andre, (March 2013), "The Turkey-Russia-Iran Nexus: forces and strategies", *CSIS, Center for Strategic-International Studies*, washington, P 21.
- 12- Goodarzi, Jubin, (January 2013), "Iran and syria, Alliance Cooperation in a Changing Regional Environment", *Ortadoglu Etutlery*, Volumw 4. N 2, P 4.
- 13- Gold, Brayan, Anthony, cordesman, shelela, Robert, gibbs, michael (2013), "U.S. And Iranian strategic competition, Turkey and South Caucasus", *CSIS, Center for Strategic and International Studies*.
- 14-Hajimineh, Rahmat, (Summer 2012), "Analyzing the Turkey-Iran Relations from the Copenhagen School point of view", *An Iranian Quaterly*, Volume. Tehran, 10. N 3-4, fall. P 1.
- 15- Hussein Bakir, Ali, (july 2011), "Iranian, Turkish relations in the shadow of the Arab Revolutions: A vision of the present and the future", *Al Jazeera Center for Studies*, P 2. www.aljazeera.net.studies.

- ۱- اسمیت روی، عمادالانیس و فاراندس، کریستوفر (۱۳۹۲)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل در سده بیست و یکم؛ موضوع‌ها و تحلیل‌های معاصر، مترجم: حاجی یوسفی، امیرمحمد و طالبی آرانی، روح اله، تهران: نشر مخاطب.
- ۲- درخشه، جلال، دیو سالار، مجید (۱۳۹۰)، «عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای AKP از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۷.
- ۳- روزنامه شرق، ۱۹ فروردین ۱۳۹۴، سال دوازدهم، شماره ۲۲۷۰. www.sharghdaily.ir.
- ۴- روزنامه جام جم، «سپر مزاحم در روابط ایران و ترکیه»، ۲۹ شهریور ۱۳۹۰.
- ۵- شریفیان، جمشید و همکاران (۱۳۹۱)، «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، فصلنامه امنیت پژوهی، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- ۶- پایگاه تخصصی سیاست بین‌الملل (۱۳۹۴)، «نظریه وابستگی متقابل»، www.INPO.ir.
- ۷- کوهین، رابرت و همکاران (۱۳۸۸)، «بررسی کتاب نظریه وابستگی متقابل؛ سیاست‌های جهانی در تحول»، www.rasekhoon.net/article/print.29322.aspx
- ۸- والتس، کنث ن (۱۳۹۴)، نظریه سیاست بین‌الملل، مترجم: روح اله طالبی آرانی، تهران: نشر مخاطب.

لاتین:

- 1- Aras, Bulent, (2001), "Turkish foreign policy towards iran, Ideology and foreign policy in flux", *Journal of Third World Studies*, N 1, p 105.
- 2-Balimir coskin, Bazen, (April 2010), "Energizing the middle east: iran. Turkey and persian gulf states", *Turkish policy quarterly, Ankara*, Volume 9. N 2. P 72.
- 3- Baghat, Gwadat, (winter 2014), "Iran-Turkey Energy cooperation: strategic implications", *Middle East Policy Council*, Washington, N 4, P 3.



- 28- Sinkaya, Bayram, (2012), "Rationalization of Turkey-Iran Relation: prospects and limits", *Insight Turkey*, Ankara, Volume 14. N 2, p 15.
- 29- Stein, Aaron, c BLEEC, philip, (2012), "Turkey-Iran Relations: From friends with benefits to it is complicated", *Insight Turkey*, Volume 14, N 4, P 3.
- 30- Unal, Serhan, Ersoy, Eyup, (January. 2014), "Political Economy of Turkish-Iranian Relation: Three Asymmetries", *Ortadoglu Etutleri*, Ankara, Volume 5. N 2. p 3.
- 31- Winrow, Gareath, (April 2014), "Realization of Turkey's Energy Aspirations. Pipe Dreams or Real Projects? ", *Center on the United states and Europe at Brookings, Turkey Project Policy Paper*, N 4, P 3.
- 16- Habibi, Nader, (may 2012), "Turkey-Iran: Growing Economic Relation Despite Western Sanctions", *Brandeis University, Crown Center for Middle East Studies*, massachusetts, No 62, P 1, www.brandies.edu/crown.
- 17- Kibaroglu, Mustafa, (April 2008), "Turkey's Neighborhood", *Foreign Policy Institute*, Bilkent University, p 158. www.foreignpolicy.org.tr.
- 18- Koolae, Elaheh, (Winter. 2011), "Irans Role in energy security at Regional and Global Levels", *Iranian Economic Review*, Tehran, Volume 15. N 28, P1-2.
- 19- Maghaddam, Arshin adib, (juane 2013), "Iran-Turkey: Ialamic Brotherhood or Regional Rivalry? ", *Algazeera Center for Studies*, <http://studies.aljazeera.net>, P 3.
- 20- Mohammed, Idrees, (Summer. fall 2011), "Turkey-Iran Rivalry on Syria", *Turkish journal of International Relations*, Volume 10. N 2-3, P 3. www.alternativesjournal.net
- 21- Migdalovitz, Carol, (November 2010), "Turkey: seected foreign policy Issues and U.S. views", *Congressional Research Service CRS*, P 47. www.crs.gov.
- 22- M. Winrow, Gareth, (2013), "The Southern Gas Corridor and Turkey's Role as an Energy Transit State and Energy Hub", *Insight Turkey*, Volume 15. N 1, P 5-6.
- 23- Nader, Alireza, Iarrab, stephan, (2013), "Turkish-Iranian Relation in a Changing Middle East", *National Defense Research Institute*. p 15-16. www.rand.org.
- 24- Ozkan, Seray, Emin, Akhundzadeh, (December 2014), "Irans Energy outlook", *Caspian srategy institute Center for Energy and Economy*, Istanbul, P 8-9. www.hazar.org.
- 25- Parsi, Rouzbeh, Rydqvist, john, (March 2011), "Iran and the west, Regional interests and Global Conversations; FOI", *Special Report*, P 8-13.
- 26- Rafael, kandiyoti, (April 2013), *Engaging Turkey. Avenues of strategic Engagment between the united states. Europe and Turkey. Energy supplies. Energy transmission*, Institute for Strategic Dialogue, Brokings, p 24.
- 27- Republic of Turkey prime minister investment support and promotion agency, (November 2013), *Turkey, The Energy Sector: A quick Tour for the Investor*, www.invest.gov.tr, P 6.

سایت‌ها:

- ۱- آژانس بین‌المللی انرژی www.iea.org
- ۲- سایت رسمی آمار اتحادیه اروپا www.eurostat.org
- ۳- سایت تخصصی سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اوپک www.opec.org
- ۴- سازمان اطلاعات انرژی آمریکا www.eia.org